

## نقش انگیزش در یادگیری

بی علاقه باشند (دارای انگیزش سطح بالایی باشند) هم به توضیحات معلم با دقت گوش خواهند داد، هم تکالیف درسی خود را باجدیت انجام خواهند داد و هم بدنال کسب اطلاعات بیشتری در زمینه مطالب درسی خواهند رفت. در این مقاله ضمن آشنایی با نقش انگیزش بر یادگیری، و معرفی انواع نظریه های انگیزشی، شیوه ها و اصول ایجاد انگیزش توضیح داده می شود.

واژه های کلیدی: انگیزش، یادگیری، پیشرفت تحصیلی

\* ابراهیمی قوام، صغیری PhD  
\*\* خاقانی زاده، مرتضی MSC

### چکیده

گرچه اطلاعات مادرباره انگیزش اصولاً توصیفی است ولی از روی کار کرده اور فتارهای بعد از یادگیری پی به انگیزش افراد می بريم. انگیزش مبحثی بسیار وسیع است که حوزه های علایق، کنجدکاوی، سلاائق، نیازها و حتی حیطه عاطفی را دربر می گیرد. گرچه عامل و راثت و محیط باهوش و غنی سازی محیط آموزشی و بهبود روش های تدریس تالندازه زیادی در بهبود وضع آموزشی تاثیر دارند ولی قلب آموزش انگیزش است. انگیزش عامل کلی مولدرفتاریه حساب می آید در حالیکه انگیزه را علت اختصاصی یک رفتار مشخص می دانند مثلاً وقتی می پرسیم که چرا فلان شخص رفتار خاصی را نجام می دهد بدنال انگیزه او هستیم. در واقع انگیزش حالت کلی تمایل به پیشرفت تحصیلی است و انگیزه حالت اختصاصی نسبت به درس خاص می باشد. انگیزش هم هدف است و هم وسیله، بعنوان هدف ما از دانش آموزان و دانشجویان می خواهیم نسبت به موضوعهای مختلف علمی و اجتماعی علاقه کسب کنند. از این رو، تمام برنامه های درسی که در آنها فعالیتهای حیطه عاطفی ملحوظ شده است دارای هدف انگیزشی هستند بعنوان وسیله انگیزش مانند آمادگی ذهنی یار فتارهای ورودی، یک پیش نیاز یادگیری به حساب می آید و تاثیر آن بر یادگیری یکی از امور بدبختی است. اگر دانش آموزان و دانشجویان نسبت به درس

دلایل زیاد و خوبی وجود دارد که مراجعت دریافت یک مدرک دانشگاهی ترغیب می کند. بدون این دلایل مابای انگیزه خواهیم شد و اگر مادراین جانگیزه نداشته باشیم، تواناییهای مابراز یادگیری به خطر می افتد. یادگیری یکی از اتفاقهایی است که در سراسر زندگی مارخ می دهد و با به دنیا آمدن شروع و با مرگ خاتمه می یابد. برای مایادگیری ذاتی است و ماجوریم آن الرانجام دهیم چه آگاهانه و چه ناخود آگاه. اگرچه ماباتوانی یادگیری به دنیا می آییم ولی اجرایی نداریم که برنامه های رسمی و خاصی را یادگیریم. دانشگاه یک موقعیت یادگیری رسمی است و برای اینکه در این موقعیت موفق شویم باید یادگیریم که گرایشات و تمایلات را با شرایط و احتیاجات آن وفق دهیم و این سازگاری اغلب مشکل است. وقتی می پرسیم چه چیز افاده ابرمی انگیزد تازندگی خود را برای نجات فردی به خطر اندازند یا برای دستیابی به هدفی خاص ساعتها طولانی کار کنند. معمولاً منظور مان این است که چرام درم چنین رفتاری کنند؟ اصطلاح انگیزش همانطور که از معنای رایج آن نیز بر می آید به علت یا چرا بی رفتار اشاره دارد. انگیزش بدین معنا، تمامی روانشناسی را دربر می گیرد، اما روانشناسی مفهوم انگیزش را به عواملی محدود می سازد که به

\* استادیار دانشگاه علامه طباطبائی

\*\* دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی - عضویت علمی دانشگاه

علوم پزشکی بقیه ا... (عج)

موتوروفرمان اتومبیل تشییه کرده اند در این مقایسه، نیرو و جهت مفاهیم عمدۀ انگیزش هستند. بنابراین تعریف انگیزش عامل فعال ساز رفتار انسانی است. انگیزش بنابر نظر شانک (۱۹۹۰) فرایندی است که رفتار هدفگر از طریق آن راه اندازی و نگهداری می شود. انگیزه اصطلاحی است که غالباً بالانگیزش متراffد بکار می رود با این حال می توان انگیزه را دقیق تراز انگیزش بعنوان حالت مشخصی که سبب ایجاد رفتار معین می شود تعریف کرد. انگیزش عامل کلی مولدرفتاریه حساب می آید در حالیکه انگیزه راعل احتصانی یک رفتار مشخص می داند (۲،۳).

### مشکل انگیزشی یا ناتوانی پنهانی

اگر فرزند مادر هنگام انجام کارها آنرا بارنج و تقلانجام می دهد بالطبع مشکل انگریزشی دارد در این حالت امکن است عبوس، عصبانی یا فسرده باشد. ممکن است آنها بالجاجت فریاد بزنند که من نمی توانم، این کارها خیلی خسته کننده است. بارها این سوال برای والدین پیش آمده و تعجب آنها را برانگیخته که چرا فرزندشان در تکالیف مدرسه همکاری نمی کنند و بابت این قضیه رنج می کشند. باید گفت چیزهایی وجود دارد که خارج از محدوده دیده ماست و میزان زیادی از بچه هاییکه به نظر می رسدم مشکل انگیزشی دارند در واقع دارای نیازهای تشخیص داده نشده و خاص خود هستند. یک تعداد از ناتوانی های پنهانی که سبب می شود تابچه ها نتوانند با جدیت تکالیف خود را انجام دهند. مشکلاتی از قلیل نقص شناوی، بی اعتنایی، نقصان توجه، اختلال بیش فعالی، اشکال درسازگاری اجتماعی و انطباق باقوانین و ناتوانی درنوشتن باشد (۴).

### تأثیر انگیزش بر یادگیری

مفهوم انگیزش به ما کمک می کنند برخی حقایق جالب را درباره رفتار و بیانگیری در کنکیم در واقع انگیزش توجیه کننده تقویت کننده های رفتار، جهت گیری

رفتار نیروهی بخشدوبه آن جهت می دهد. یک جاندار برانگیخته در مقایسه با یک جاندار نانگیخته بانیرو و کارایی بیشتری در یک فعالیت در گیرمی شود. هنگامی که دانش آموزان بایی علاقگی درس می خوانند، فقط به خاطر پاداش بیرونی تکلیف رانجام می دهند و وقت خود را صرف چیزهایی می کنند که باتکلیف یادگیری مغایر است. معلمان می گویند آنها بیانگیزه اند. همچنین زمانی به نداشتن انگیزش اشاره می شود که دانش آموزان آشکارا از برداختن به تکلیف یادگیری خودداری می کنند و یا از عهده اعمالی که به آنها کمک می کنند تابه طور موقفيت آمیزی آن را تکمیل کنند بر نمی آیند. به هر حال بارهای دیده می شود. دانش آموزان که از لحاظ توانایی و استعداد یادگیری بسیار شیوه به هم هستند در پیشرفت تحصیلی تفاوت های زیادی بایکدیگر دارند. این تفاوت نه تنها در یادگیری درس های آموزشگاهی بلکه در سایر فعالیت های غیر تحصیلی نیز به چشم می خورد. این جنبه از رفتار آدمی به حوزه انگیزش در روانشناسی مربوط است و مطمئن ام خواهیم بدانیم چگونه علاقه دانش آموزان خود را مخصوصاً آنها می راند. به یادگیری ندارند برانگیزیم. همه اینها در بحث انگیزش خلاصه می شود. شناسایی مفهوم انگیزش و آگاهی از انگیزه های مختلف به معلم کمک می کنند تا در طرح و اجرای برنامه های آموزشی خود رو شهای بهتری را بکار گیرد. چرا که انگیزش غالباً از یادگیری استنباط می و دو معمولاً یادگیری نشانه ای انگیزش است (۱،۲).

### تعاریف انگیزش Motivation و انگیزه

واژه motivation از کلمه لاتین move به معنی حرکت کردن (to move) مشتق شده است. انگیزش به حالتهای درونی ارگانیسم که موجب هدایت رفتار او به سوی نوعی هدف می شود اشاره می کند. بطور کلی، انگیزش را می توان بعنوان نیروی محرك فعالیت های انسانی و عامل جهت دهنده آن تعریف کرد. بعبارتی انگیزش را به

از تعداد زمانی است که فرآگیران قادر به صرف آن دریادگیری تکلیف معینی بوده و مایل به صرف آن هستند.

#### ۴- نقش انگیزش در پیشرفت تحصیلی

مفهوم انگیزش فراسوی نتایج حاصل از تفاوت‌های موجود در هوش یا استعداد تحصیلی افراد در توجیه تفاوت پیشرفت تحصیلی ماراباری می‌دهد و برای توجیه اختلاف بین دانش‌آموzanی که استعداد یکسانی برای یادگیری دارند اما پیشرفت تحصیلی آنها متفاوت است می‌توان از مفهوم انگیزش استفاده کرد. پژوهش‌های انجام شده رابطه بین هوش و پیشرفت تحصیلی را با ضریب همبستگی  $0/5 = ۲$  نشان داده است این ضریب نسبتاً پایینی است و نشان می‌دهد که در میان دانش‌آموzan افرادی یافت می‌شوند که باهوش و استعداد کم، اما پیشرفت تحصیلی چشمگیری دارند و همچنین افرادی نیز هستند که با استعداد زیاد اما پیشرفت اندکی نصیب آنها می‌شود. این موارد استثنای ایجاد مفاهیم بیش‌آموزنی Overachievement و کم‌آموزنی Underachievement منجر شده اند این اصطلاحات به پیش‌رفتی بیشتر یا کمتر از آنچه براساس هوش یا استعداد تحصیلی افراد پیش‌بینی می‌شود اشاره می‌کند و برای توجیه یادگیری‌های متفاوت دانش‌آموzanی که هوش مساوی دارند اما در پیشرفت تحصیلی متفاوتند مورداً استفاده قرار می‌گیرند. یکی از عوامل توجیه کننده این مطلب انگیزش است یادگیرنده کم آموز کمتر از یادگیرنده بیش‌آموز در فعالیت یادگیری می‌کوشد. (۵۱)

**انگیزش درونی Intrinsic و انگیزش بیرونی extrinsic**  
انگیزش درونی حاصل تقویت کننده‌های شخصی هستند و نیازی به تقویت کننده مشخص خارجی ندارند. مانند رضایت خاطر حاصل از یادگیری و کسب دانش در این نوع انگیزش، فعالیت یادگیری و نتایج حاصل از آن خوداًثر تقویتی دارند.

هدفهای رفتاری و تعیین کننده میزان صرف وقت در فعالیتهای مختلف و یک عامل مهم در پیشرفت تحصیلی محسوب می‌شوند.

#### ۱- انگیزش تعیین کننده تقویت کننده هاست

اگر مسابخوهای فراوانی یا ارزش رفتاری افزایش یابد باید آنرا تقویت کنیم. و برای اینکار باید تقویت کننده هایی را انتخاب کنیم که از نظر افراد ارزش مثبت دارند و عبارت دیگر آنها را برانگیزد و آنچه باعث می‌شود که هر دانش‌آموزنی فعالیتی خاص را انتخاب کند یکی دنبال ورزش، دیگری موسیقی، نقاشی و یا به دروس خاصی تمایل پیدامی کنند به انگیزه‌های آنها مربوط می‌باشد. انگیزه‌های این افراد (نیازها، ارزش‌ها، مشوق‌ها، رغبت‌ها، گرایش‌ها، علائق) تعیین کننده این است که چه چیزی برای آنها تقویت کننده است و چه چیزی تقویت کننده نیست.

#### ۲- انگیزش توجیه کننده جهت گیری هدفهای است

مفهوم انگیزش علاوه بر نقش آن در تعیین این که چه چیز در حکم تقویت کننده عمل می‌کند به خاطر این واقعیت است که رفتار انسان هدف گر است و رفتار ماجنان است که مقصد خاصی را در بال می‌کند. همانطور که بسیاری از فلاسفه معتقدند که یکی از اویژگی‌های شاخص رفتار انسانی غایت نگری آن و به عبارت دیگر هدف گرایی آن است.

#### ۳- انگیزش تعیین کننده میزان وقت

در فعالیتهای مختلف است. Atkinson اتکینسون پی برد که یکی از مهمترین نتایجی که از تحقیقات مربوط به انگیزش حاصل آمده است ارتباط بین زمان مصرف شده در تکالیف معین و انگیزش برای آن وظایف است و این بکار ارتباط خطی است و یک برآورد از نیروی انگیزش دانش‌آموzan عبارت

این است که اول امشکلات روزمره مان را بتواند حل کند و دیگر این که اطلاعات لازم را برای وظایفمان در اختیار مان قرار دهد. سیرل<sup>۱</sup> (Cyril-o) که یکی از مشهورترین مطالعات را بر روی انگیزش یادگیرندگان انجام داده است، سه شیوه انگیزش را شناسایی کرده است (۱) یادگیرندگان هدف مدار که یادمی گیرند برای رسیدن به هدفهایی روش<sup>۲</sup> (۲) یادگیرندگان فعال مدار (اجتماعی) که قسمت عمده یادگیرندگان را تشکیل می‌دهد که یادمی گیرند آنچه را که در ارتباطات اجتماعی آنها کاربرد داشته باشد<sup>۳</sup> (۳) یادگیرندگان دانش مدار که جستجو می‌کنند اطلاعات علمی را به منظور خود علم. آنها لذت می‌برند از مطالعه کردن واژگان کودکی اینگونه بوده اند و آنها شغلی را تاختاب می‌کنند که امکان رشد و پیشرفت را برای آنها فراهم کند<sup>(۴)</sup>

### نظریه های انگیزش

انگیزش به مانند یادگیری مستقیماً قابل مشاهده نیست. یک متغیر فرضی است که روانشناسان آن را از راه مشاهده رفتار ارگانیسم استباط می‌کنند. از آن جا که انگیزش جنبه فرضی واستباطی دارد تعابیر مختلفی از آن بدست آمده و به گونه‌های مختلف تفسیر شده است و این که چنان‌نوع انگیزه داریم؟ و این انگیزه‌ها چگونه با هم ارتباط دارند؟ و چگونه باعث برانگیختن ارگانیسم می‌شود. پاسخ به این گونه سوالات منجر به معرفی نظریه‌های گوناگون برای توصیف و تبیین مفاهیم انگیزش شده است که در اینجا تعدادی از این نظریه‌ها در ارتباط با یادگیری مطرح می‌شود.

### نظریه انگیزشی مازلو

آبراهام مازلو طراح یک نظریه انگیزشی است که تاثیر مهی در آموزش و پرورش آمریکا داشته است نظریه او مبتنی بر این مفهوم است که ارضای نیازهای بینایی رشد است. از نظریه مازلو مهمترین خصوصیت انگیزشی

انگیزش بیرونی حاصل تقویت کننده‌های محیطی است که به عنوان محرك یا عامل ارجانیسم برای دستیابی آن تلاش می‌کند انواع انگیزش‌های بیرونی شامل:

۱- تقویت کننده‌های نخستین که نیازهای فیزیولوژیکی موجود زنده را رضاء‌مند کند آب، غذا و ...

۲- تقویت کننده‌های شرطی مانند پول، نمره، مقام، شغل و ...

۳- تقویت کننده‌های اجتماعی مانند توجه، محبت، تایید و ...

برخی ادعایی کنند رفتاری که بطور درونی برانگیخته شده باشد بهتر از رفتاری است که از بیرون برانگیخته شده و برباداشهای قابل مشاهده متکی باشد این منتقلان شیوه‌های کنش گرچنین می‌گویند که: «پاداش دادن به کودکان آنها را فاسدمی کند زیرا موجب می‌شود آنها منحصرا برای پاداش کار کنند و مابه واقع در پی کودکانی هستیم که به پاداش نیاز نداشته باشند. دادن پول و پاداش به خاطر خواندن یک مطلب یا تمرین پیانو، شانس آنها را برای گسترش علاقه به مطالعه و پیانو اختن پیانو از بین می‌برد و تقویت رشوه دادن است! مباراین باوریم که مردم تا حد زیادی بر اثر نتایج تقویتی رفتار خود بایک مدل مورد مشاهده در گذشته برانگیخته می‌شوند. گاهی تقویت هابسیار واضح است ولی حتی هنگامی که چنین نیست نیز تقویت وجود دارد. هیچ کس بدون تقویت مطلبی را مطالعه نکرده یا پیانوئی رانمی نوازد. یک خواننده کتاب یانواز نده پیانو که به نظر می‌رسد از درون برانگیخته است در واقع فرایندهای خود تقویتی را که غالباً از تقویت‌های بیرونی اولیه ناشی شده است در خود گسترش داده است

(۷۶)

### شیوه‌های انگیزش

بزرگسالان به دلایل مختلفی خود را با آموزش مدام می‌درگیری می‌کنند. انگیزش‌های منحصر به فردی که به ماکمک می‌کند تا بر روی موضوع خاصی متوجه شویم

است که افراد از لحاظ نیاز به پیشرفت باهم تفاوت دارند. بعضی افراد دارای انگیزه سطح بالای هستند و در رقابت بادیگران و در کارهای خود برای کسب موفقیت می‌کوشند. دیگران انگیزه چندانی برای پیشرفت و موفقیت ندارند و از ترس شکست آماده خطر کردن برای کسب موفقیت نیستند. در سال ۱۹۶۱ مک کللت و همکارانش کتاب مهمی را با عنوان انگیزه پیشرفت منتشر ساختند و در آن اظهار کردند که بعضی افراد بیش از دیگران بلندپروازند و برای کسب موفقیت در زندگی می‌کوشند و برای تعیین میزان انگیزه پیشرفت مقیاس معروف به آزمون اندیزیافت Thematic Apperception Test را تدوین کردند. براساس پژوهش‌های انجام شده نشان دادند که افراد دارای انگیزه پیشرفت زیاد در انجام کارها و از جمله یادگیری برای رادی که از این انگیزه بی‌بهره اند پیشی می‌گیرند. در واقع این افراد همواره تمايل دارند تکاليف خود را به شیوه بهتری انجام دهند و از انجام کارهایی که جنبه شانس دارد متفرقند. وهمچنین رغبتی به انجام کارهای ساده که نیاز به توانایی خاصی ندارد نشان نمی‌دهند و غالباً کارهایی را قبول می‌کنند که احتمال پیروزی و شکست پنجاه پنجاه است. تا توانایی‌های خود را بیان می‌دانند و با کسب پیروزی احساس رضایت می‌کنند. اتکینسون معتقد بود انگیزش موفقیت تحت تاثیر احتمال موفقیت وجودی است آن قرار دارد. میزان انگیزش فرد برای انجام تکلیفی (تلاشی) به این موضوع بستگی دارد که در باور او احتمال موفقیت انجام آن تکلیف تاچه اندازه است و اگر به هدف نائل شود آیا پاداش آن مناسب و جذاب است یا خیر؟ بنابراین می‌توان بادرنظر گرفتن اهداف تکلیف براساس توانایی‌های فردی دانش آموزان احساس موفقیت و تلاش را در آن‌ها ایجاد نمود و همچنین وقتی دانش آموزان کلاس خود را جذاب و تسهیل کنند و رشد خویش بینند تکالیفی را ترجیح می‌دهند که آنها را به چالش فراخوانند و کلاس خود را بیشتر دوست خواهند داشت البته باید دانش آموزان تشویق شوند که برای رشد خویش

نتها اصل کلی که علایق متنوع انسان را به یکدیگر پیوندمی دهد گرایش به نیاز جدید و بالاتر است که بالارضای نیازهای پایین تر ظهروری کند و انگیزه افراد مستقیماً بر حاسته از نیازهای آنهاست ولذا انسان در رفتار خویش به ارضای نیازهایش گرایش دارد. مازل نیازهای انسان را بصورت سلسله مراتبی به پنج دسته عمده طبقه بندی کرد. براساس این طبقه بندی نیازهای رده پایین باید حداقل تا حدودی ارضاء شوند تا فرد بتواند فرصت ارضاء نیازهای رده بالاتر را باید. این طبقه بندی از پایین به بالا شامل، نیازهای فیزیولوژیکی، نیازه امنیت، نیازه عشق و تعلق، نیازه عزت نفس و احترام و نیازه خودشکوفایی یا تحقق خویشن. براساس این نظریه تأثیرهای کمبودی دانش آموزان ارضانشودانگیزه های درونی برای کسب دانش پدیده خواهد آمد. طبق نظر مازلوبهترین یادگیری نوعی است که برانگیخته از خود باشد بدين منظور باید شرایط یادگیری را برای فرآگیری بامعنی وجذاب کردد تا او آنچه را که شخصاً بالرزش می‌داند انتخاب کند. بطوری که تجربه یادگیری خود پاداش یادگیری باشد. به هر حال با پذیرش نظریه مازلوباید پیامدهای ضمنی آنرا نیز مورد توجه قرار دهیم. بدین معنی که مثلاً نمی‌توان انتظار داشته باشیم که نیازهای عقلی دانش آموزان را قبل از آنکه نیازهای جسمی و اجتماعی آنان برآورده شود دار ضاء نمائیم. هنگامی که کودکی گرسنه یا مورد آزار قرار گرفته همراه با حساسی که از عدم توجه و مراقبت در او بوجود آمده است به مدرسه می‌آید. انگیزش این کودک برای پیشرفت تحصیلی اگر غیر ممکن نباشد دشوار است (۲۰۴).

### نظریه انگیزش پیشرفت

یکی دیگر از نظریه هایی که به تفاوت انگیزه دانش آموزان برای پیشرفت تحصیلی توجه می‌کند نظریه انگیزش پیشرفت نامیده می‌شود این نظریه بر نقش هدف در موفقیت و شکست دانش آموزان تاکید دارد. پژوهش‌های پژوهشگران بر مبنای این نظریه حاکی از آن

لیکن در برخی از دانش آموزان الگوهای استنادی ناساز گارانه است یعنی اینکه مسئولیت شکست را به یک علت درونی پایدار نظر نداشتن نسبت می دهد. دانش آموزی که نبود توانایی راعلت شکست خودمی داند همواره انتظار شکست را دارد. و به این باور می رسد. که توانایی کسب موفقیت را ندارد و برخی از دانش آموزان علاوه بر استناد شکست به یک ویژگی درونی مثلا عدم توانایی بطره همزمان موفقیت خود را به یک ویژگی بیرونی و مثلا آسانی آزمون و یا شناس خوب نسبت می دهند این دانش آموزان با این نوع استناد رباره موفقیت شان نمی توانند دلیل موجهی برای تلاش فوق العاده در تکالیف مدرسه بیابند. به هر حال اگر دانش آموز، احساس کند تلاشش بی فایده است چهارافت تحصیلی خواهد داشت و برنامه آموزشی باید از الملاکوهای استنادی خود مغلوبی این گونه دانش آموزان را بشکند. (۲، ۳، ۵)

### اصول عمومی انگیزش

اصول عمومی انگیزش که در هر موفقیت یادگیری قابل اجرامی باشد شامل موارد ذیل است:

- ۱- می توان از محیط بعنوان کانون توجه دانش آموزان بروی آنچه نیاز بدانگیری است استفاده نمود: معلمینی که جو مرتب، منظم و عملی قابل قبول و گرمی را خلق می کنند می توانند موجب ارتقاء تلاش مدام و نگرشاهی مساعد برای یادگیری شوند.
- ۲- مشوقهای برانگیزاننده یادگیری: مشوقهای شامل مزایای ویژه و در بافت تحسین و ستایش از آموزش دهنده است. مربی مشوقی را تعین می کند که احتماله دریک مرحله زمانی ویژه بطور اختصاصی برانگیزاننده است. در موفقیتهای عمومی یادگیری، خودانگیزشی بدون وجود پاداش موفق نخواهد بود. دانش آموزان دریادگیری باید احساس رضایت و خرسندی پیدا کنند. براساس درک اهدافی که برای آنها مفید

تلاش کنند. و به یک انگیزش درونی برای کسب موفقیت دست یابند در این صورت برای کسب موفقیت دست به تلاش جدی می زند. (۱۰ و ۳)

### نظریه استنادی

یکی از نظریه های جدید انگیزشی که از نظریه های شناختی روانشناسی انگیزش است نظریه استناد یا نسبت دادن است بنیان نظریه استنادی در مطالعات فر تیس هایدر ۱۹۵۸ fritz Hider ریخته شده و بعداً توسعه بر نارد واینر ۱۹۵۸ Bernard Weiner بسط و پالایش یافت. یکی از فرضهای عمدۀ نظریه استنادی این است که جستجو برای درک و فهم امور و عمل رویدادهای مهترین منبع انگیزش انسان است. اصطلاح نسبت دادن یا استناد به علتها یی که فرد برای رویدادهای نتایج اعمالش برمی گزیند. و جنبه استناظ شخصی دارند اشاره می کند. بر اساس این نظریه هنگامی که دریک تکلیف موفق می شویم یاشکست می خوریم بطور طبیعی در مورد این که چه کسی یا چه پردازیم. یعنی درباره این که چه کسی یا چه چیزی مسئول بوده و چگونه عملکرد داشته ایم به استناد می پردازیم. این گونه استنادهای نحوی منظم بالتنوع مختلف رفnarهایی که در پی آنها می آیند ارتباط دارند. استنادهای مچنین منبع احساسات خوب، بدیابی تفاوتی ها پس از موفقیت و شکست است یعنی اینکه استنادها نتایج عاطفی (هیجانی) دارند. با توجه به اینکه استنادهای در رفتاهای بعدی و هم در احساسهای ماموث ندلذابه مطالعه دقیق آنها نیازمندیم. تحقیقات در استنادهای دانش آموزان نشان می دهد که دانش آموزان برای توضیح موفقیت یاشکست خود بیشتر از مقوله هایی نظریه تلاش، توانایی، روحیه و خلق، دشواری تکلیف و شناس استفاده می کنند. در بیشتر موارد دانش آموزان دلایل موفقیت خود را به عوامل درونی (تلاش، توانایی) و شکست را به عوامل خارجی (دشواری تکلیف، شناس) استناد می دهند.

## فنون ایجاد انگیزش در یادگیرنده‌گان

در زیر روشها و فنونی را معرفی می‌کنیم که استفاده از آنها معلم را در بالابردن سطح انگیزش یادگیرنده‌گان یاری می‌دهد. در تدوین این قسمت از همه‌ی نظریه‌های انگیزشی و یافته‌های پژوهشی مربوط به یادگیری و انگیزش استفاده شده است.

- ۱- آنچه را که از یادگیرنده‌گان به عنوان هدف آموزشی انتظار دارد را آغاز درس دقیقاً به آنها بگویید.
- ۲- در شرایط مقتضی از تشویق‌های کلامی استفاده کنید.
- ۳- از آزمون‌ها و نمرات به عنوان وسیله‌ای برای ایجاد انگیزش در یادگیرنده‌گان استفاده کنید.
- ۴- از خاصیت برانگیختگی مطالب مختلف استفاده کنید.
- ۵- مطالب آموزشی را زاده به دشوار رائه دهید.
- ۶- از ایجاد رقابت و هم چشمی در میان دانش آموزان جلوگیری کنید.
- ۷- هنگام آموزش مطالب تازه از مثالهای آشنا استفاده کنید، و هنگام کاربرد مطالب آموخته شده از موقعیت‌های تازه استفاده نمایید.
- ۸- علاوه بر توضیح و تشریح مطالب به طور کلامی، تا آنجاکه ممکن است از روشهای دیگر آموزشی نیز استفاده کنید.
- ۹- پیامدهای منفی مشارکت یادگیرنده‌گان در فعالیت یادگیری را کاهش دهید.
- ۱۰- به دانش آموزان مسائل و تکالیفی بدھید که نه خیلی ساده و نه خیلی دشوار باشند.
- ۱۱- تا آنجاکه ممکن است مطالب درسی را به صورت معنی دار و در ارتباط با موقعیت‌های واقعی زندگی ارائه دهید و در حدامکان در انجام فعالیت‌های آموزشی به یادگیرنده‌گان آزادی عمل بدھید. (۱۰، ۴، ۵)

است و بطور عادی کمتر اتفاق می‌افتد که آنها بطور خالص از کشف چیزهای جدید لذت ببرند.

۳- انگیزش داخلی دوام و پایداری و خودهدایت گری بیشتری نسبت به انگیزش بیرونی دارند که باید مکررا توسط ستایش و تشویق‌های عینی تقویت شوند؛ بعضی از چهارها بطور اختصاصی و منحصر به فرد در گروه‌های سنی معینی و بعضی از بزرگسالان استعداد و توانایی کمی برای انگیزش درونی دارند و باید هدایت و بطور دائمی تقویت شوند. اساس استفاده از مشوقهای برابر اصل است که یادگیری موثرتری رخ می‌دهد. زمانی که دانش آموز احساس خستگی و رضایت را تجربه می‌کند باید در استفاده از پادشاهی بیرونی احتیاط شود. زمانی که آنها اصلاح‌مورد نیاز نمی‌باشد استفاده از آنها ممکن است موجب کاهش انگیزش درونی شود.

۴- یادگیری زمانی که یادگیرنده‌گان آماده یادگیری است موثرتر است و این زمانی است که او می‌خواهد چیزی را بشناسد؛ در برخی مواقع دانش آموزان آمادگی بیشتری برای یادگیری دارند و مربی باید این زمانه را توسعه دهد. اگر یک تغییر مطلوب رفتاری نیاز فوری و مبرم است، مربی می‌بایست بطور مستقیم این راهدایت کنند تا مطمئن شود رفتار مطلوب رخ می‌دهد. اگر یک دانش آموز آماده یادگیری نباشد و ممکن نیست دستور العمل هارا بنال کند، بنابراین باید هدایت و دوآموزشها بطور مکرر تکرار شود.

۵- انگیزش بوسیله سازماندهی مواد آموزشی ارتقایمی یابد؛ بطور کلی، بهترین سازماندهی مواد آموزشی، اطلاعات معناداری را بطور انحصاری فراهم می‌کند. یک روش سازماندهی شامل برقراری ارتباط بین وظایف جدید با دانستنیهای قبل است. راه دیگر تقویت کردن بیانی از طریق مقایسه و تقابل افکار است که تعیین می‌کند که آیا افراد آنچه به آنها آموزش داده شده را در کرده‌اند. (۱۰)

## نتیجه گیری

ی امتحانی و دفترچه‌ی تکلیف دانش آموزان برایادگیری آنان اثربخش دارد. سوم اینکه از آن جا که نتایج آزمونها به صورت نمره‌هایی که به یادگیرندگان داده می‌شوند بپاداشهای اجتماعی چون تایید معلم و والدین، ارتقاء به کلاس بالاتر، دریافت گواهی نامه، ورود به دانشگاه، کسب مشاغل مورد علاقه و مواردی نظایر اینها وابسته‌اند، نمره‌های معلمان دارای ارزش انگیزشی زیاد هستند. بنابراین، معلم می‌تواند، با اجرای مکرر آزمونها، سطح انگیزشی یادگیرندگان را بالا ببرد. با این حال، نکته‌ای را که باید در رابطه با آزمونها و امتحانات مختلف در نظر بگیرید این است که از آنها به عنوان وسیله‌ای برای دادن بازخورد به دانش آموزان در رابطه با ناحوه‌ی عملکرد و میزان یادگیری شان استفاده کنید، نه به عنوان وسیله‌ای جهت ارعاب و تنبیه آنان. چهارم اینکه محركهای تازه، تعجب برانگیز و پرمعنی سطح برانگیختگی را افزایش می‌دهند و سبب تحریک حس کنجکاوی یادگیرنده می‌شوند. معلم می‌تواند با ارائه مسائل و مطالبی که از این ویژگی‌ها برخوردارند در یادگیرندگان ایجاد انگیزش نمایند. در این مورد باید وقت شود که مسائل و مطالب ارائه شده، بیش از حد توانایی دانش آموزان، پیچیده نباشد، زیرا این امر ممکن است به شکست و ناکامی در آنها منجر گردد و سبب دلسوزی آنها شود.

پنجم اینکه ارائه مطالب درسی به صورت متواالی، از ساده به دشوار موجب می‌شود که یادگیرندگان ابتدادریادگیری مطالب ساده به اندازه کافی موفقیت به دست آورند. همچنان که قبله‌گفته شد، این کسب موفقیت اولیه انگیزش یادگیرنده را برای یادگیری های پیشتر افزایش می‌دهد و برآمدگی او می‌افزاید. علاوه بر این، کسب پیشرفت غالباً به دریافت مشوقهای پاداش و تایید از سوی معلم و والدین منجر می‌شود، که این خودیکی از عوامل مهم انگیزشی به شمار می‌آید. بنابراین، معلم باید سعی کند تا در تمام مراحل آموزشی برای یادگیرندگان فرصت

بهترین راه ایجاد علاقه در یادگیرندگان به پیشنهارت ایادگیری و افزایش سطح کیفی روش‌های آموزشی است. از این طریق یادگیرندگان به موفقیت پیشتر در یادگیری نائل می‌آیند، و این کسب موفقیت علاقه و انگیزش آنها را نسبت به یادگیری مطالب تازه افزایش می‌دهد. با توجه به مطالب ارائه شده در این مقاله جهت انگیزش نقش بسزایی در یادگیری دارد و برای نتیجه بهتر در فرایند یادگیری باید در ابعاد مختلف آن به این موضوع توجه شود، بدین صورت که اول از هم در تغییب وهدایت یادگیری دانش آموزان و داشجویان هدف‌های آموزشی بطور صریح بیان شود، چرا که پژوهش‌های انجام شده نشان داده اند یادگیرندگانی که از هدف‌های درس و آموزش مطلع نمی‌شوند، به خوبی یادگیرندگانی که معلم پیش از آغاز درس دقیقاً آنها می‌گوید که چه انتظاراتی از آنها دارد، در پیشرفت درسی موفق نمی‌شوند. علاوه بر این مطلب، معلمان باید در ضمن دادن هدف‌های آموزشی به یادگیرندگان، در آنها نسبت به نتایج یادگیری انتظارات مثبتی ایجاد کنند. (ندادن اطلاعات ضروری به یادگیرندگان در باره‌ی نتایج فعالیتهای یادگیری آنان به ایجاد انتظارات منفی در آنان در باره‌ی کاری که باید انجام دهنند منجر به انگیزه‌ی یادگیری در آنها خواهد شد). دوم اینکه در پیش از موقعیت ملموس به اندازه‌ی تشویقهای کلامی معلم موثر نیست. استفاده از اظهاراتی چون «خوب»، «عالی» و «مرحباً» پس از عملکرد درست دانش آموز از تدابیر موثرانگیزشی است. تشویق دانش آموز ساده ترین و طبیعی ترین وسیله‌ای است که به سهولت در اختیار معلمان قرار دارد. موثرترین تشویق، آن است که به رفتار و عملکرد درست دانش آموز وابسته باشد. ضمناً معلم باید به اندازه‌ی لازم دانش آموزان را مورد ستایش قرار دهد. تسویق بیش از حداثرش را لذت دست می‌دهد و از خاصیت تقویت کننده‌ی آن کاسته می‌شود. علاوه بر اظهارات شفاهی، تشویق‌های کتبی در دوره

نمایند. یکی از شرایط مهم آموزش آفرینشگی ایجاد فضای آزادیادگیری و تشویق آنها به استفاده از روش‌های اکتشافی وابداعی یادگیری است. (۲۵، ۷)

**منابع :**

- 1- *Groccia, J. E. (1992). The college success book: A whole-student approach to academic excellence. Lakewood, CO: Glenbridge Publishing Ltd*
- 2- نیت ل. گیج، دیویدسی. برلاینر. ترجمه خویی نژاد غلامرضا و همکاران. "روانشناسی تربیتی - انتشارات حکیم فردوسی، مشهد ۱۳۷۴
- 3- جان ای. گلاور، راجراچ بروتینگ. ترجمه خرازی علینقی. روانشناسی تربیتی اصول و کاربرد آن. مرکز نشردانشگاهی، تهران ۱۳۸۳
- 4- *Meredithc (2004) motivation problem or hidden disability. Available from url : www. Looks mavt .com.update: tan.*
- 5- سیف، علی اکبر. روانشناسی پرورشی، انتشارات آگاه، ۱۳۸۰
- 6- رابرт فرانکن، ترجمه شمس اسفندآباد، حسن و همکاران. انگیزش و هیجان - نشرنی، تهران ۱۳۸۴
- 7- سید محمدی، یحیی، روانشناسی یادگیری، نشر روان ۱۳۸۰
- 8- پارسا، محمد، روانشناسی یادگیری بر مبنای نظریه ها، تهران انتشارات سخن. ۱۳۸۱
- 9- *Hettich, P. (1998). Learning skills for college and career (2nd Ed.) Pacific Grove, CA: Brooks/Cole*
- 10- Mathew weller; General principles of Motivation los Angeles . Business journal, march 12 ، 2005

کسب موقیت فراهم آورد. ششم اینکه، معلم باید از ایجاد رقابت بین دانش آموزان که به کسب موقیت در محدودی از آنها و شکست اکثریت آنها می‌انجامد جلوگیری به عمل آورد. معلم به این منظور می‌تواند از تدبیر مختلفی استفاده کند. به عنوان مثال، برای جلوگیری از ایجاد رقابت میان دانش آموزان در بحث‌های کلاسی، معلم باید در جریان بحث پس از گفتن نام دانش آموزان معین به طرح سوال پردازد، نه اینکه ابتدا سوال را طرح کند و بعد از کلاس بخواهد تا هر که می‌تواند به طور داوطلبانه به سوال اوجواب دهد. این روش موجب خواهد شد که معلم مشارکت همه‌ی افراد کلاس را در فعالیتهای آموزشی جلب نماید و همه‌ی افراد کلاس تقویت دریافت کنند. اما گرچه معلم ابتدا سوالی را طرح کند و بعد از دانش آموزان بخواهد تا هر که می‌تواند به جواب دهد، تعداد کمی از دانش آموزان مستعد و قوی کلاس به سوال پاسخ خواهند داد و تنها آنها مورد تایید و تقویت واقع خواهند شد. هفتم اینکه، وقتی می‌خواهید مطلب تازه‌ای را به دانش آموزان بیاموزید آن مطلب را با استفاده از مثالها و موارد ملموس و آشنا به یادگیرنده‌گان توضیح دهید. این اقدام به جریان یادگیری سرعت می‌بخشد و سطح علاقه مندی دانش آموزان را افزایش می‌دهد. اما هنگامی که می‌خواهید کاربرد مطالب آموخته شده را نشان دهید، آنها را در موقعیت‌های تازه و بدیع به کاربرید. استفاده از موقعیت‌های تازه از یکنواختی مطلب و حالت کسل کننده‌گی آن می‌کاهد و بعده علاقه‌ی یادگیرنده در استفاده از آنچه آموخته است می‌افزاید. خلاصه اینکه مشارکت دانش آموزان در امر یادگیری باید با تقویت مثبت مواجه گردد تا موجب دلسردی آنها نشود. معلم برای این منظور باید سعی کند از پیامدهای آزارنده‌ی این امر جلوگیری به عمل آورد. وفضای مناسب برای یادگیری فراهم کند، به گونه‌ای که افراد آزادی عمل داشته باشند تا هر شیوه‌ی یادگیری را که مایلند خود دانندخواه داشتند.